

تشیع در آذربایجان و تاثیر آن بر روابط ایران و عثمانی در عصر صفوی بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه

سیدسعید جیواد^۱ سید حسن قریشی^۲ محمد طاهر یعقوبی^۳ محمد صادق غلام جمشیدی^۴

^۱ دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه پیام نور تهران، ایران. jivad@pnu.ac.ir

^۲ دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) shquorishi@pnu.ac.ir

^۳ دانشیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. yaghoubi@pnu.ac.ir

^۴ دانشیار، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. Jamshidirad@pnu.ac.ir

نویسنده مسئول: shquorishi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹

چکیده

آذربایجان در تاریخ ایران پیش از اسلام و دوران اسلامی از نظری سیاسی و سوق الجیشی و اقتصادی جایگاه و اهمیت ویژه‌ای داشته و بخشی از هویت ایرانی بوده است، به ویژه نقش فرهنگی، مذهبی آن از زمان پیدایش آئین زرتشتی تا دوره صفویه و رسمیت یافتن مذهب تشیع قابل توجه بوده است. رسمیت یافتن آئین تشیع که تلاکوی آن در آذربایجان بوده است تأثیرات مهمی بر زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی ایران و همسایگان داشت. همسایه غربی ایران پس از تشکیل امپراتوری عثمانی، که ادعای رهبری جهان اسلام را می‌کرد با سیاست مذهبی ضدشیعی با صفویه در افتاد و زمینه را برای بروز اختلاف و جنگ‌های مذهبی بین ایران و عثمانی آماده ساخت، که سرزمین آذربایجان در این تقابل در خط مقدم جبهه قرار داشت و نقش مهمی در تحولات را ایفا می‌کرد، با این وجود آذربایجان تأثیر بسزایی در برقراری روابط فرهنگی و اقتصادی بین ایران و عثمانی داشته است. مقاله حاضر به بررسی تأثیرات و تأثرات آذربایجان و عثمانی در حوزه اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی، هنری، علمی و سیاسی که پرداخته و نقش هنرمندان، دانشمندان آذری با بکارگیری از نظریه گفتمان در عثمانی مورد بررسی قرار داده است، گرچه این دانشمندان و هنرمندان در بحبویه جنگ یا در به صورت اسیری به عثمانی رفتند یا برده شده، ولی نقش آنان در عثمانی در برقرار ایجاد ارتباط و گفتمان قابل توجه بوده به مرور زمان موجب نزدیکی دو ملت به هم شده است. یافته پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی به شیوه کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از نظریه ی گفتمان لاکلا و موفه، نشان می‌دهد که جنگ با دشمنان خارجی به ویژه عثمانی بر روند گسترش و تحول گفتمان تشیع در آذربایجان موثر بوده و تشیع در آذربایجان بر امور فرهنگی، عقیدتی، علمی عثمانی تأثیر گذاشته است.

کلیدواژه: آذربایجان، صفویه، امپراطوری عثمانی، تشیع، نظریه گفتمان، لاکلا و موفه.

مقدمه

آذربایجان در تاریخ و فرهنگ ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نقش آذربایجان در شکل‌گیری هویت ایرانی، موضوع مهمی است که هنوز بر اساس نیاز روز به اندازه کافی مورد تحقیق واقع نشده است. نقش مذهبی آذربایجان پیش از اسلام و در دوره اسلامی کمتر مورد توجه واقع شده است، خاستگاه آئین زردشت در آذربایجان که موجب تحول عظیمی دینی در تاریخ ایران باستان شد، تأثیر مشابهی در رسمیت یافتن مذهب تشیع در ایران دارد که منشاء این تحول در آذربایجان بود که با رسمی اعلام نمودن مذهب رسمس در تبریز تغییراتی در نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آمد. با رسمی شدن تشیع توسط صفویان در آذربایجان، تمدن ایران وارد مرحله جدیدی از دوران تاریخی خود شد؛ تا جایی که این امر منجر به شکل‌گیری هویت و گفتمان جدید در این گستره ی تمدنی شد. منطقه ی آذربایجان به لحاظ داشتن موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک خود همواره به عنوان یکی از مناطق بسیار مهم ایران مطرح بوده و این اهمیت با رسمی شدن مذهب شیعه و ایجاد یک تمرکز سیاسی و نظامی مستقل بیش از پیش چشمگیرتر شد. یکی از سخت‌ترین برخوردها بین ایران و عثمانی جنگ چالدران بود، جنگ چالدران غنایم گرانمایه ی بسیاری را نصیب دولت عثمانی کرد؛ شاید ارزشمندترین این غنایم، نخبگانی باشند که به صورت اجباری تبریز، تختگاه صفوی، را به مقصد استانبول، پایتخت عثمانی، ترک گفتند. گروهی از این نخبگان، هنرمندان و دانشمندانی بودند که منشاء خدمات زیادی در عثمانی شدند، از این گروه برخی علمای و دانشمندان شیعی بودند که در پوشش هنرمند و اندیشه‌گر به عثمانی رفتند. منابع دوره صفویه کمتر به این مهاجرت‌ها و یا انتقال علما به عثمانی پرداختند، یکی از اصلی ترین دلایل آن این است که این منابع سعی داشته‌اند شکست چالدران را حادثه‌ای نه چندان مهم جلوه دهند و از جان گذشتگی‌های قزلباشان و شاه را کم اهمیت جلوه ندهند.

در مورد نقش و تأثیر هنرمندان و اندیشمندان آذربایجان بر عثمانی کتب و مقالاتی نوشته شده است از آن میان مقاله ای تحت عنوان «تأثیر هنرمندان مکتب تبریز در شکل گیری و گسترش مکتب استانبول» از یعقوب آژند می‌باشد که در آن نویسنده موضوع مهاجرت هنرمندان ایرانی به عثمانی در بعد از جنگ چالدران به خوبی تشریح داده (آژند، ۱۳۸۹: ۳۸ - ۳۳)، اما به نقش شیعیان مهاجر توجه‌ای نشده است. ولی دین پرست در مقاله ای با عنوان «نقاشان صفوی و انتقال هنر نگارگری ایرانی به عثمانی» زندگی چند تن از نقاشان و سبک آنان را مورد بررسی قرار داده است. (دین پرست، ۱۳۹۰: ۷۴ - ۷۱). دین پرست در مقاله دیگری که با رضا شعبانی تحت عنوان «مهاجرت هنرمندان ایرانی به عثمانی اواخر تیموریان و اوایل دوره صفویه» نوشته، به صورت مختصر زندگی هنری و اقدامات برخی هنرمندان مانند شاه قلی در دوران مهاجرت به عثمانی شرح داده شده است (شعبانی و دین پرست، ۱۳۸۹: ۶۸)

مؤلف کتاب تبریز مادر شهر، نقش خبرگان حرف و نخبگان علوم تبریز در عمران و آبادانی سایر شهرها و کشورها، به بررسی نقش نخبگان تبریزی در پیشرفت مادی و معنوی شهر استانبول پرداخته و اشاره‌ای بسیار کوتاه به نقش اندیشمندان شیعی داشته است (داغسر، ۱۳۹۳: ۱۱۶-۹۹). این پژوهش بر آن است ضمن تبیین چگونگی نزج و گسترش تشیع در آذربایجان، تأثیر آن را بر روابط ایران و عثمانی در عهد صفویه مورد بررسی قرار دهد، به تأثیر و تأثیرات اندیشمندان تبعیدی ایرانی را بر فرهنگ و اندیشه عثمانی بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه پردازد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای می‌باشد.

نظریه گفتمان لاکلا و موفه

یکی از رویکردهای مهم و قابل توجهی که پژوهشگران علوم انسانی از آن استفاده کرده اند، نظریه گفتمان است. رویکرد گفتمان را متفکران مختلفی توسعه داده‌اند که از مهم ترین آنها می‌توان به دریدا، فوکو، فیرکلو و در نهایت زوجی به نام ارنستو لاکلا و شانتال موفه اشاره کرد. در این میان، در میان رویکردهای گفتمانی مختلف، به نظر می‌رسد که ایده این زوج بیش از سایر رویکردها مورد توجه قرار گرفته است. شاید یکی از دلایل این موضوع پرننگ شدن موضوع سیاسی در گفتمان این زوج باشد. آنچه مبنای تحلیل گفتمان است این است که معانی و برداشت‌هایی که از جهان داریم تنها در چارچوب گفتمان‌های مختلف امکان پذیر است. به عبارت دیگر، گفتمان‌ها نظامی از معانی هستند که باورهای ما را درباره واقعیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی شکل می‌دهند. بنابراین گفتمان‌ها بر موضوعات غالب هستند. سوژه‌ها فقط در زمان‌های خاصی که گفتمان ضعیف می‌شود، خود را نشان می‌دهند. در غیر این صورت، «مردم با گفتمان مورد بازجویی قرار می‌گیرند؛ یعنی در موقعیت‌های گفتاری متفاوتی قرار دارند و باید به گونه‌ای صحبت کنند» (حقیقت، ۱۳۸۸: ۵۳۹-۵۴۰).

لاکلا و موفه مفهوم گفتمان را از فوکو وام گرفته‌اند. گفتمان در دیدگاه آنان، یک نظام معنایی بزرگتر از زبان است و هر گفتمان بخشی از جامعه را کنترل می‌کند و با تسخیر ذهن مردم، گفتمان‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی آنها را شکل می‌دهد. نظریه ی لاکلا و موفه در زمینه ی گفتمان را می‌توان کاربرد ی ترین نظریات این حوزه دانست، در عرصه نظری، این گفتمان هم در قامت یک روش و هم در قامت یک نظریه راه را برای ورود تحلیل‌گران به ساحت پدیده‌های سیاسی - اجتماعی با رویکردهای توصیفی - تحلیلی و رعایت بی طرفی علمی می‌گشاید.

گفتمان برای لاکلا و موفه، مجموعه‌ای از نشانه‌ها است. مفهوم فرمول گفتمان فوکو با مفهوم بیان در نظریه گفتمان لاکلا و موفه قابل مقایسه است، زیرا بلاغت فرآیندی است که در آن نشانه‌ها با هم ترکیب می‌شوند و یک نظام معنایی را تشکیل می‌دهند (هووارت، ۱۹۹۸: ۱۶۳). از نظر لاکلا و موفه، هر کنش و پدیده‌ای باید معنادار باشد. فعالیت‌ها و پدیده‌ها زمانی قابل درک می‌شوند که در قالب یک گفتمان خاص باشند. هیچ چیز به خودی خود هویت ندارد، بلکه هویت خود را از گفتمانی که در آن قرار می‌گیرد، اخذ می‌کند (همان: ۱۶۲).

گفتمان‌ها، مفصل بندی مجموعه ای منسجم از افراد، مفاهیم و واژگان هستند که حول یک دال برتر قرار گرفته، به زندگی انسان معنا می‌بخشند. از نظر لاکلا و موفه، گفتمان‌ها تنها دریچه ی شناخت انسان به سوی جهانند. هر گفتمان به همه چیز در چارچوبی از نظام معانی، مفهومی خاص می‌بخشد (کسرای، ۱۳۸۸: ۳۴۲).

بطور کلی مؤلفه‌ها و مفاهیم نظریه لاکلا و موفه بر چند اصل استوار است که مهم‌ترین آن دال و مدلول، مفصل بندی، بی‌قراری، ضدیت و غیریت، هژمونی و تثبیت معنا، قدرت، اسطوره، تصور اجتماعی، سوژه‌ها و سوژگی سیاسی می‌باشد.

دو مفهوم دال و مدلول در نظریه لاکلا و موفه نقش کلیدی دارند. دال‌ها، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال مورد نظر برایمان معنا می‌شود. به عنوان نمونه، کثرت اندیشمندان و هنرمندان آذری شیعی و غیر شیعی در عثمانی به اصطلاح یک «مدلول» است که ما را به دال «تأثیر تشیع در عثمانی» رهنمون می‌شود.

تثبیت معنای دال‌ها در تمام گفتمان‌ها موقتی است و به همین علت، لاکلا و موفه برای نشان دادن موقتی بودن معنای نشانه‌ها از واژهٔ «وقت» استفاده می‌کنند. بنابراین، همواره این امکان وجود دارد که معنای تثبیت شدهٔ یک وقت متزلزل شود. این متزلزل را «بی‌قراری» می‌نامند. مفهوم بی‌قراری در نظریهٔ لاکلا و موفه، اشاره به بحران‌ها و حوادثی دارد که همزمنی گفتمان‌ها را به چالش می‌کشد.

مفصل‌بندی، قرار دادن پدیده‌هایی در کنار یکدیگر است که به طور طبیعی در کنار هم قرار ندارند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۸) یا کنشی است که میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، اعمال و... چنان رابطه‌ای ایجاد می‌کند که هویت اولیهٔ آنها دگرگون شده، هویتی جدید بیابند. از این‌رو هویت یک گفتمان، در اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون به وجود می‌آید شکل می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۶). لاکلا و موفه با خلق فرایند مفصل‌بندی و به کمک مفهوم همزمنی، به این سؤال پاسخ داده‌اند. در عمل مفصل‌بندی، میان عناصر گوناگون چنان ارتباطی ایجاد می‌شود که یک کلیت منسجم و نظام‌مند حاصل می‌گردد و بدین ترتیب، یک گفتمان پدید می‌آید (Laclau, E, Mouffe, (2002), Ibid, p 105).

گفتمان وقتی توانست به یک ثبات نسبی برسد و نظام معنایی خود را تثبیت نماید، به یک گفتمان همزمنیک تبدیل می‌گردد، در این مرحله گفتمان توانسته بر مشکلات فائق بیاید و با جلب اجماع و اقباع جمعی به از سوی کارگزاران و سوژه‌ها مورد پذیرش قرار گرفته شده است.

گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. هویت تمامی گفتمان‌ها منوط و مشروط به وجود غیر است. از این‌رو گفتمان‌ها همواره در برابر خود غیرت‌سازی می‌کنند.

قدرت را می‌توان اساسی‌ترین مفهوم در نظریهٔ گفتمان دانست. چراکه شکل‌گیری هر گفتمانی تنها از طریق اعمال قدرت میسر است. گفتمان‌ها به وسیله قدرت غیر را طرد و خود را تثبیت می‌کنند. قدرت چیزی است که جامعه و سوژه‌ها را تولید می‌کند. قدرت تمامی ابعاد زندگی ما را اعم از فردی و اجتماعی فرا گرفته است

پیشینه تاریخی گرایش آذربایجان به تشیع

با ورود اسلام به ایران، اندیشه شیعی نیز همراه برخی فاتحین مسلمان وارد آذربایجان شده ولی به طور نامحسوس به حیات خود ادامه داده است، با تشکیل دولت علویان در شمال ایران و نزدیکی آذربایجان به دیلم، زمینه حضور عده‌ای از خاندان سادات در آذربایجان به وجود آمد (حشری تبریزی، ۱۳۷۱: ۱۷) آنان در آشنا ساختن مردم با خاندان نبوت نقش داشتند. با قدرت یابی آل بویه زمینه برای توسعه تشیع فراهم آمد، آل مظفر شعبه‌ای از آل بویه بودند که در آذربایجان حکومت می‌کردند و صبغه شیعی داشتند، حتی واضح، جد یعقوبی مورخ شیعی، علائق شیعی داشته در زمان منصور مدتی حاکم ارمینیه و آذربایجان و مصر بوده است (جعفریان، ۱۳۸۳: ۱۲۰). در دوران ائمه اطهار نیز نقاط دیگری هم چون مناطق جبال، مثل همدان و قزوین، و مناطق آذربایجان، مثل آران و اردبیل، و منطقه سیستان و منطقه طبرستان، و مناطقی از آسیای میانه، هم چون بلخ و هرات و سمرقند، به شهادت نصوص تاریخی زیر پوشش سازمان وکالت بوده‌اند. (جباری، ۱۳۸۲: ۱۱۱/۱)

حمدانیان یکی از دولت‌های هم‌جوار با آذربایجان مذهب شیعی داشت و احتمالاً این همجواری در آشنایی مردم با تشیع در آذربایجان نقشی داشته است. یکی از امرای این خاندان به نام عبد الله بن حمدان مدتی بر آذربایجان و شهر مراغه تسلط داشتند که این امر در گسترش تشیع در آذربایجان مؤثر بوده است (رضایی، ۱۳۸۵: ۴۷). گسترش اسماعیلیان در آذربایجان در زمان آل مسافر در نزج تشیع در این منطقه نقش داشته است، حتی یکی از امرای آل مسافر سکه‌ای با نام ائمه اسماعیلی ضرب کرده است (کسروی، ۱۳۵۳: ۵۱)

با سقوط عباسیان و روی کار آمدن ایلخانان در ایران، فعالیت شیعیان در ایران چشم‌گیر شد، گرایش عمومی مردم آذربایجان و تبریز به تشیع به زمان اولجایتو که مرکز حکومت ایلخانان مغول بود، باز می‌گردد و تصمیم وی برای رسمیت بخشیدن به تشیع، زمینه مناسبی را برای گرویدن به تشیع از سوی حکومت ایلخانان مغول فراهم کرد.

عهد تیموری برای ترویج تشیع زمان مناسبی بود و شیعه‌ی اثنی عشری از این فرصت برای نشر عقاید و اظهار آزادانه‌ی مقالات خویش، خوب استفاده کرد و رجال اهل سنت در مناظره با اکثریت رو به رشد شیعه یا جنبش‌های بدعت‌آمیز کمتر توفیق به دست می‌آوردند (رویمر، ۱۳۸۰: ۱۸۵). در دوره ترکمانان قراقویونلو در عراق با ورود ابوالعباس احمد بن الفهد حلی به دربار سپندمیرزا پسر قرايوسف که اولین نفر از این خاندان بود که رسماً به تشیع گروید، مقدمات گسترش تشیع را با حضور در مناظره با علمای اهل سنت با ثابت کردن حقایق تشیع فراهم آورد. و با این کار بسیاری از مردم مذاهب خود را تغییر دادند. اسکندر میرزا که جانشین قرايوسف شد نیز تمایلات شیعی داشت. اما در زمان جهانشاه (حک ۸۷۲-۸۴۱ ق) قراقویونلوها حکومتی شیعی داشتند. در عین حال در این دوره شاهد نوعی تسامح دینی هستیم. در کنار اسامی خلفای راشدین نیز بر روی سکه‌های سلطنت جهانشاه که در عبارت شیعی «علی ولی الله» نوشته شده بود (مزاوی، ۱۳۶۳: ۱۴۴) گرچه سکه‌هایی جهانشاه از نظر جغرافیایی در مناطق وسیع‌تری گسترده شده بود، ولی فعالیت‌های فرهنگی او در تبریز متمرکز بود. در زمان او مسجد کبود تبریز در سال ۸۷۰ هجری قمری ساخته شد که نام خلفای راشدین در آن دیده نمی‌شود، اما با عبارت علی ولی الله و نام حسنین در و دیوار مزین شده است. (میرجعفری، ۱۳۷۵: ۳۲۹)

با قدرت یابی آق قویونلوها که مذهب سنت داشتند، نوعی تسامح بین شیعه و سنی وجود داشته است که علت آن احترام مفرط آق قویونلوها به فرقه صوفیه و خاندان صفی بود (مزاولی، ۱۳۶۳: ۱۲۹). اما به دنبال اظهارات صریح طرفداران شیخ حیدر، از شیعیان، روابط او با خاندان آق قویونلو تیره شدو یعقوب بیگ (۸۹۳-۸۸۳ق)، سلطان سنی آق قویونلوها، شیخ حیدر را که همسر خواهرش نیز بود، ترور کرد و کشت. اما در زمان سلطان مراد آق قویونلو (۹۰۸-۹۰۳ق) که هم‌زمان با الوند میرزا آق قویونلو بر بخشی از ایران حکومت می کرد، شیعیان را مورد آزار و اذیت شدید قرار داد، این اقدامات موجب مهاجرت خانواده شیخ حیدر به ویژه دو فرزندش ابراهیم و اسماعیل به گیلان شد. اسماعیل میرزا نزد سید علی کیا که از شاگردان سید قوام الدین مرعشی در گیلان بود، تحصیل کرد. خاندان آل کیا که شیعی مذهب بودند، مقدم که اسماعیل میرزا را گرامی داشت. (شیبانی، ۱۳۴۶: ۷۲) همچنین اسماعیل میرزا در لاهیجان نزد مولانا شمس الدین لاهیجی به فراگیری درس قرآن پرداخت. (ترکمان، ۱۳۵۰: ۲۶) محیط شیعی آن منطقه و رفتار خانواده مرعشی و آل کیا، قطعاً شخصیت مصمم اسماعیل میرزا را برای حرکتی فراگیر جذب کرده بود (Bosworth, ۱۹۹۱: ۵۱۰).

علاوه بر این شمس الدین لاهیجی و میرانجم زرگر از زمان خروج از گیلان تا به سلطنت رسیدن و پس از آن او را همراهی کردند. (ترکمنی آذر، ۱۳۸۳: ۳۴۰) گزارش مؤلف تاریخ صوفیه نشان می دهد که نهضت اسماعیل میرزا و یارانش یک جریان اعتقادی بوده است. هنگام خروج از گیلان، حرکت او با مخالفت الوند میرزا آق قویونلو مواجه شد و اسماعیل در پاسخ نوشت: در راه دین شمشیر می زنم تا درست در مرکز آن باشد. (عالم آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۶۲). سه عامل تشیع، پیوند تشیع با تصوف و قدرت نظامی قزلباشان در قدرت یابی صوفیه نقش اساسی داشت، قزلباشان با ارادتی که به خاندان علی و پرچم داری نهضت شیعه امامی داشتند، جان دادن در راه پیروزی خدا و فرمان برداری از اوامر مرشد کامل را مقدس ترین وظیفه خود می دانستند.

با توجه نظریه گفتمان لاکلا و موفه هژمونیک شدن این گفتمان از یک سو باعث به حاکمیت رسیدن آن شد و از سوی دیگر شرایط و زمینه ها را برای تقویت و گسترش گفتمان تشیع در ایران و به خصوص منطقه آذربایجان فراهم آورد. در مجموع تشیع در این مرحله از سقوط عباسیان و حاکمیت ایلخانان تا به قدرت رسیدن صفویان پس از سال ها توانست خود را به عنوان یک گفتمان در جامعه آذربایجان مطرح کند که نتیجه آن رسمیت یافتن مذهب شیعی از آذربایجان شد. بر اساس نظریه گفتمان، گفتمان وقتی توانست به یک ثبات نسبی برسد و نظام معنایی خود را تثبیت نماید، به یک گفتمان هژمونیک تبدیل می گردد، این امر را در رسمیت یافتن تشیع به خوبی قابل درک است، از دوره ایلخانان تا تأسیس صوفیه، موانع به مرور زمان از بین رفته و زمینه برای رشد و رسمیت یافتن تشیع فراهم گشته، با فائق آمدن بر مشکلات، جلب اجماع و اقناع جمعی و پذیرش آن از سوی کارگزاران و سوزده ها یاری می رساند. بدین ترتیب است که یک گفتمان خود را هژمونیک می کند. پیامد هژمونی شدن یک گفتمان تثبیت خود و به حاشیه راندن نظام های معنایی سایر رقبا است.

یکی دیگر مؤلفه ها و مفاهیم نظریه لاکلا و موفه در گفتمان قدرت بود، صوفیه با بهره گیری از هژمونی تشیع و قدرت نرم صوفیان قزلباش و رابطه مریدی و مرادی آنان به طوری که شاه در عین تصدی امر سلطنت، مراتب روحانی و حلقه مریدان داشت و تا حدی که از شاه اسماعیل با عنوان «اسماعیل ولی الله» یاد می کردند (غفاری، ۳۴۴: ۲۶).

شاه اسماعیل برای رسمیت دادن مذهب تشیع در تبریز دست به خشونت زد، او بعد از تغییر خطبه و ضرب سکه، و آوردن اشهد ان علیا ولی الله و حی علی خیر العمل در اذان و اقامه، گروهی از تبراییان در کوی و برزن های تبریز به حرکت در آمدند، تا با صدای بلند خلفای سه گانه و تمامی دشمنان دوازده امام را دشنام گویند (فائق، ۱۳۸۹: ۶۶۳/۲). پذیرش مذهب جدید که در نظر اکثریت مردم تبریز در حکم ترک کردن دین و بدعت بود، بدون مقاومت و خونریزی صورت نپذیرفت. تعداد زیادی در این مقاومت کشته شدند (همان: ۶۶۵)، این اقدامات شاه موجب گردید تا نوعی قدرت پشت گفتمان تشیع بوجود آید. به عقیده ی لاکلا و موفه توان گفتمان ها در تثبیت معنا و هژمونیک شدن، بسته به میزان قدرتی است که پشت آنها وجود داشته، از آنها حمایت می کند. صوفیه برای ماندگاری خود ناچار بود، مبانی ایدئولوژی شیعه را جایگزین اندیشه مریدی و مرادی تصوف نماید به همین منظور از راهبرد مهاجرت علما از جبل عامل به ایران بهره برد و تعدادی از آنان را که در رأس آنان محقق کرکر بود، به ایران دعوت کرد بدین طریق سیاست به کارگیری فقهای شیعه در ساختار رسمی قدرت را در دستور کار خود قرار داد. بنابراین اقدامات شاه اسماعیل برای رسمیت دادن و گسترش مذهب تشیع در آذربایجان یا دو ویژگی روش های سرکوب گرایانه (قدرت سخت) و اقناع ایدئولوژیک (قدرت نرم) همراه بود.

اهمیت تشیع در آذربایجان و تاثیر آن بر مناسبات صفوی و عثمانی

در رویارویی تاریخی ایران با غرب، چه در ایران پیش از اسلام (امپراتوری روم) و چه در ایران صفوی (عثمانی)، دین مهمترین نقش را در حفظ وحدت ملی و سرزمینی ایران ایفا کرده است که بدون آن حفظ هویت این کشور و سرزمین باستانی غیرممکن به نظر می رسد. به رسمیت شناختن تشیع که در آذربایجان رخ داد، بدون شک نقطه عطفی در تاریخ ایران است. اقدام فوق و دیگر اقدامات شاه اسماعیل، بزرگ ترین تهدید برای امپراتوری عثمانی بود. هنوز چند سال از این اقدام نگذشته بود که عثمانی ها آذربایجان را غارت کردند. لشکرکشی های پی در پی عثمانی ها از یک سو اهمیت این رویداد مهم یعنی به رسمیت شناختن تشیع را و از سوی دیگر عمق دشمنی عثمانی ها را نشان می داد، تعصب شدید دولت عثمانی در مذهب سنی حنفی، فتاوا و علمای سنی مبنی بر تکفیر و ارتداد شیعیان، مکاتبات طرفین در زمینه مذهب و کشتارهای شیعه و سنی در قلمرو یک دیگر، تنش میان صوفیان و عثمانی ها را سبب گردید.

اقدامات عثمانی در برابر تشیع ایرانیان بسیار سخت و شکننده بود، چندین سلاطین عثمانی ایران آذربایجان را مورد تاخت و تاز قرار دادند، به عنوان نمونه سلطان مراد سوم در طول حدود ۲۱ سال سلطنت (۱۵۷۴ تا ۱۵۹۵ میلادی) مدت ۱۱ سال مشغول حمله به ایران بود. نیروهای عثمانی به شهرها و روستاهای آذربایجان حمله کردند و مردم را به طرز فجیعی قتل عام نمودند (۱۵۸-۱۵۹، ۱۹۹۳، Kutukoglu). اوج این کشتارها در سال ۹۹۳ ق که تبریز اشغال شده بود اتفاق افتاد. قاضی احمد قمی از کشتار حدود ۸۰۰۰ نفر از مردم بیگناه خبر می‌دهد: «تمام پیاده نظام خود را به کوچ و محله انداختند، هر که را دیدند شهید کردند... و به طور کلی از ظهور اسلام تا آخر، این قتل عام در بین مؤمنان ظاهر نشده بود. و هیچ یک از سلاطین کفر جرأت به این امر شنیع نکرده بودند که از این عثمان [عثمان پاشا] بی‌ایمان نسبت به مسلمانان صادر شد (حسینی قمی، ۱۳۹۴: ۸۹/۱-۷۸۸. ترکمان، ۱۳۵۰: ۳۱۰/۱)

جنگ های ایران و عثمانی در دوره تهماسب و محمد خدابنده ادامه داشت، جنگ دوازده ساله که از دومین سال سلطنت شاه محمد خدابنده (۹۸۶ ق) شروع شده بود، با قتل عام مردم تبریز (۹۹۳ ق) به نقطه اوج رسید و در سومین سال سلطنت شاه عباس، انعقاد معاهده صلح استانبول (۹۸۸ ق) پایان یافت. این جنگ‌ها موجب برانگیخته شدن نوعی خصومت و غیریت آشکاری علیه عثمانی به دلیل کشتار بیرحمانه ی سپاهیان عثمانی در بین مردمان آذربایجان شد.

بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه گفتمان‌ها اساسا در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت یابی یک گفتمان، صرفا در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان پذیر است و هویت یک گفتمان مشروط به وجود غیر است

از این رو گفتمان‌ها، همواره در برابر خود گاه در برابر یک گفتمان، غیرهای متعدد وجود دارد که آن گفتمان از آنها غیریت سازی می‌کنند در شرایط گوناگون و برای کسب هویت های مختلف استفاده می‌نماید. از اینرو می‌توان گفت: این جنگ‌ها علی‌رغم پیامدهای ناگواری که در پی داشت و سالیهای متمادی مردمان غیور و دردمند آذربایجان را به خاک و خون کشاند، توانست به شکل گیری یک هویت صفوی - شیعی در ایران و به خصوص منطقه آذربایجان منجر گردد. علاوه بر آن حاکمیت صفوی توانست با غیریت سازی در خارج از مرزهای کشور، غیرها و گفتمان‌های مخالف داخل را در ذیل گفتمان خود در برابر یک دشمن واحد فرا مرزی متحد سازد.

این جنگ‌ها بر اساس نظریه لاکلا و موفه به دلیل غیریت سازی و ایجاد ضدیت با عثمانی‌های سنی مذهب از یک سو موجبات گسترش گفتمان تشیع در آذربایجان را فراهم آورد و از سویی دیگر با هم بر پیوند بیشتر دو گفتمان صفویه و تشیع افزود. که، بلکه منجر به رشد پیامد مهم دیگری شد که تاثیرات مثبتی بر روند گسترش تشیع در آذربایجان گذاشت، و آن شکوفایی ادبیات مرثیه ی شیعی در آذربایجان بود. چرا که مبارزه شدید صفویان با عثمانی، آذربایجان را محل زد و خورد ساخت که زنده نگهداشتن احساسات ملی - مذهبی رمز بر جای ماندن دولت نوپای صفویه بود.

تاثیرات جنگ های ایران و عثمانی عصر صفوی بر تشیع در آذربایجان

دولت عثمانی از بدو پیدایش دولت صفوی با این دولت به علت اختلافات مذهبی در نزاع و تعارض بود، اقدامات مؤسس سلسله صفوی در رسمی کردن مذهب شیعه و توهین به مقدسات اهل سنت و سخت گیری شدید نسبت به سنیان از یک طرف و نفوذ روزافزون تشیع در قلمرو عثمانی و حضور ترکمن‌ها در آناتولی و طرفداری آنان از صفویه بزرگ ترین تهدید برای امپراتوری عثمانی بود.

رویه دولت متعصب عثمانی، فتاوی علمای سنی مبنی بر تکفیر و ارتداد شیعیان، مکاتبات طرفین در زمینه مذهب و کشتارهای شیعه و سنی در قلمرو یک دیگر، تنش میان صفویان و عثمانی‌ها را افزایش داده بود (نویسی، ۱۳۶۸: ۵۸). پیوستن هواداران شاه اسماعیل در آناتولی که عثمانی را از نظر مالیاتی، نیروی انسانی و رزمی در مضیقه قرار داد که عامل دیگری در دشمنی بین عثمانی و صفویه بود. رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران بر سلاطین عثمانی گران آمد و سلطان سلیم برای حل بحران مشروعیت به مبارزه با شیعیان نبرد با صفویه پرداخت و با وجود شورش‌های علویان در آناتولی و حمایت شاه اسماعیل از آنان، فتوای الحاد و ارتداد آنان را از علما اهل سنت گرفت و راه را برای رفع بحران مشروعیت خود برداشت و علما را با خود همسو کرد (نوریلدیز، ۱۳۹۱: ۱۳۹). بر اساس نظریه لاکلا و موفه در گفتمان یا مخالف آن، عوامل و پدیده‌هایی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند که به طور طبیعی در کنار هم قرار ندارند که از آن به عنوان مفصل بندی یاد می‌شود. این امر در شروع جنگ‌های ایران و عثمانی عصر صفویه مشهود است، اقدامات شاه اسماعیل و مقابله سلطان عثمانی، مسائل آناتولی و اقدامات علمای اهل سنت مبنی بر فتوای الحاد و ارتداد، همه عوامل مفصل بندی این ستیز را تشکیل دادند که بعدها نتیجه این اقدامات زمینه هویت‌یابی، غیریت‌سازی و تبدیل یک گفتمان سیاسی به گفتمان هم‌مونیک شد.

جنگ‌های ایران و عثمانی علاوه بر آسیب انسانی تأثیر و تأثرات فرهنگی و تمدنی داشت که مهم‌ترین آن عبارتند از:

- کوچ اجباری عده زیادی از عالمان، هنرمندان و صنعتگران ایرانی از تبریز به استانبول پس از جنگ چالدران، برخی مورخان عثمانی اوزون چارشلی تعداد این هنرمندان را تا هفتصد نفر نوشته‌اند (Bayat ۱۹۹۷: ۶۶۷). تعدادی از این هنرمندان با سقوط تیموریان توسط ازبکان، از هرات به تبریز آمده بودند.

- شکوفایی ادبیات مرثیه‌ای شیعی در آذربایجان. کشتار مردمان آذربایجان توسط سپاه عثمانی، منجر به شکوفایی ادبیات مرثیه‌ی شیعی شد که این امر در روند گسترش تشیع در آذربایجان تاثیرات مثبتی گذاشت، چرا که مبارزه شدید صفویان با عثمانی، آذربایجان را مهد نگهداشتن احساسات ملی - مذهبی نمود. در کنار رشد ادبیات مرثیه‌ای شیعه، مراسم عزاداری و سوگواری حسینی به اشکال و انحاء گوناگون مثل زنجیرزنی، سینه زنی، نوحه خوانی، مقتل

نویسی و شبیه گردانی به اجرا درآمد. بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه، گفتمان‌ها اساساً در تضاد و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت‌یابی یک گفتمان، صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر است. سختگیری و خشونت عثمانی، نوعی مبارزه منفی مردم را علیه آنان به وجود آورد و به جای دور شدن مردم از عقاید خود، این عقاید در ادبیات، عزاداری‌ها به اشکال گوناگون ظهور و بروز کرد و زمینه ظهور ادبیات مرثیه‌ای، مقتل نویسی و غیره شد که برخی مهاجران این ادبیات را نیز در عثمانی رواج دادند، حتی در اشعار سلامتین عثمانی از این ادبیات نیز الگو برداری شده است. علاوه بر آن در نظریه لاکلا و موفه، هویت جمعی یا تشکیل گروه و در شکل گسترده‌تر آن هویت یک گفتمان تحت اصولی مشترک با هویت فردی یا هویت سوژه، شکل می‌گیرد. هویت سوژه ناشی از تعارض میان دو نوع هویت است. پای بندی به اصول اعتقادی و شکلی تشیع در آذربایجان یک هویت جمعی را به وجود آورد که آن را با هویت دیگر مناطق غیر شیعی متمایز می‌کرد، که از آن با عنوان هویت سوژه یاد کرد.

- تأسیس و توسعه حوزه علمیه تبریز. نهضت توسعه مدارس دینی پس از حملات عثمانی توسعه قابل توجهی یافت، این مدارس به پرورش فقها، محدثین، حکما، خوشنویسان و شاعران شیعی پرداخته. مدارسی که در این دوره تأسیس شد می‌توان به مدرسه طالبیه، مدرسه صادقیه، مدرسه صفویه، مدرسه حاج صفر علی، مدرسه حاج علی اصغر و مدرسه میرزا علی اکبر اشاره کرد. طبق نظریه لاکلا و موفه توسعه مدارس دینی و اندیشمندان شیعی یک مدل است که ما را به دال توسعه و نهادینه شدن فرهنگ و اندیشه شیعی در آذربایجان رهنمون می‌سازد.

- دانش‌اندوزی عثمانی‌ها در مدارس ایرانی: علاءالدین علی چلبی در هرات و سمرقند، به تحصیل پرداخت و در اوایل سلطنت محمد دوم به عثمانی بازگشت (طاش کبری زاده، ۱۴۱۲ق، ص ۱۱۱). او از طرف سلطان، به ریاست مدرسه بروسه منصوب شد (ثریا، ۱۳۱۵، ص ۴۸۷). قبل از او علاءالدین اسود قره‌خواجه نیز که در ایران تحصیل کرده بود، مدرسه از نیک از نخستین مدارس عثمانی را در زمان اورخان، پایه‌گذاری نمود (حقی، ۱۳۶۸، ص ۶۸۷). محمود بن محمد چلبی نیز در مدرسه گالیپولی و ادرنه با تدریس رساله فتحیه قوشچی و زیج الغیبیک، از مهم‌ترین مروجان سنت مدرسه سمرقند در عثمانی بودند. (پورگشتال، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۸۶)

حضور دانشمندان آذربایجانی در عثمانی مانند محمود بن کمال تبریزی (متوفی ۹۳۰ق) که از تبریز به استانبول رفت و مسئولیت بیمارستان سلطان محمد استانبول را برعهده گرفت و مدرسه‌ای در ادرنه عثمانی بنا کرد (حقی، ۲/۱۳۶۸: ۶۳۶). ظهیرالدین اردبیلی وفیات الاعیان ابن‌خلکان را برای سلطان سلیم به فارسی ترجمه کرد. او نماینده سلطان در حلب، شام و مصر شد، قاسم بن شیخ مخدومی به دعوت سلطان سلیم از تبریز به عثمانی رفت و تاریخ دولت عثمانی را به نگارش درآورد (طاش کبری زاده، ۱۴۱۲ق: ۲۷۱). مولا عبدالرحیم شروانی در سال ۱۱۰۵ هجری به عثمانی مهاجرت کرد و تدریس در مدارس وافی افندی، مسیح پاشا، محمد انقروی و ثمانیه را برعهده گرفت. (ترکمان، ۱۳۵۰: ۱۴۸/۱) میرزا مخدوم شریفی معلم ریاضیات شاه اسماعیل دوم، به استانبول گریخت و مسئولیت درس و قضاوت در دیاربکر، بغداد و بعداً مدینه و مکه را پذیرفت. او یکی از ۸۷ دانشمند مهاجر ایرانی به عثمانی در دولت صفویه است (طاش کبری زاده، ۱۴۱۲ق: ۵۲۶). مهاجرت این دانشمندان، با پیشرفت کمی و کیفی شاخه‌های متنوع علوم در عثمانی بی‌ارتباط نیست. معرفت و دانش ما محصول گفتمان‌ها است، گفتمان، هم دانش و هم عمل اجتماعی را تولید و موجه می‌سازند (پورکنسن، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۲). رشد کمی و کیفی هنرمندان ایرانی نتیجه گفتمان دو ملت ایران و عثمانی بود که در برخی عقاید و اندیشه و هژمونی با هم اشتراکاتی داشتند.

۸- دانشمندان آذری در گسترش هنر خطاطی و کتابت که مورد توجه عثمانی بوده، پس از پیروزی عثمانیان بر آق‌قویونلوها، هنرمندان این فن در استانبول به تربیت شاگردان پرداخته و به حدی عثمانیان در خوشنویسی پیشرفت کردند که با هند در رقابت بودند (۱۴۸: Zeren Tanindi). حمداله آماسی، از هنرمندان این خطه، هنر کتابت و خطاطی، در عثمانی توسعه داد و کتیبه‌های مسجد سلطان بایزید دوم را طراحی و حدود صد نسخه قرآن را کتابت کرد (بلر و جاناتان بلوم، ۱۳۸۸: ۶۱۰/۲). پس از او احمد قره حصار از اسران چالدران این هنر را تکمیل نمود (فدایی، ۱۳۹۱: ۶۹). قلم تعلق و نستعلیق ایرانی در عثمانی توسط این هنرمند محبوبیت فزاینده‌ای یافت و خط تعلق به دیوان راه یافت و از اقلام دیوانی گشت (همان: ۷۳) سید خوبی حسینی یا میرخویی حسینی از دیگر کاتبان و اساتید آذربایجانی بود که در دوره سلیمان قانونی به استانبول مهاجرت کرد و مسؤول کتابت شهنامه خاقانی را به عهده گرفت و در گسترش خط تعلق نیز نقش به‌سزایی داشت (مستقیم‌زاده، ۱۳۴۷: ۶۶۱). حاج محمد تبریزی از خطاطان مشهور در دوره سلیمان قانونی (۹۲۶-۹۷۴) از تبریز عازم مکه و بروسه شد و در آنجا معلم خط درباریان و هنرمندان کاخ بروسه شد (میرزا حبیب اصفهانی، ۱۳۰۶ق: ۲۲۰) در همین زمان محمد شریفی تبریزی به استانبول مهاجرت کرده بود و در آنجا مسأل کتابت اشعار سلاطین عثمانی شد و چند نسخه را به نستعلیق کتابت کرده بود (فدایی، ۱۳۹۱: ۷۳) شاه قاسم‌بن‌شیخ تبریزی مخدومی از دیگر اسرای چالدران است که در کتابت و خطاطی شهرت داشت او فردی ادیب، محدث، مفسر و شاعر فارسی بود (ثریا، ۱۳۱۵ق: ۸۳/۲)

- نقاشان آذربایجانی با مهاجرت یا انتقال به استانبول و دیگر شهرهای عثمانی در زمینه نقاشی از خود آثار ماندگاری به جا گذاشتند. عبدالفتاح تبریزی از استادان اسیر شده نبرد چالدران است که در نقاشی درخشید و لوحی را به خط خود در مسجد جامع بروسه نگاشت که هنوز پابرجاست (دفتر اهل حرف: ۹۵۲). محمد بن ملک تبریزی از دیگر نقاشانی بود که در دوره بایزید دوم (۸۸۶-۹۱۸) به استانبول رفت و در سال ۹۳۸ق چند آثار ارزشمند در زمینه نقاشی از جمله جنگ خسروفرهاد را به نقاشی در آورد (شعبانی و دین پرست، ۱۳۸۹: ۶۶). عبدالواحد کاتب از دیگر اسرای هنرمند ایرانی در جنگ چالدران است که در کتابت و نقاشی هنر شهره بود و از کاتبان سلیمان قانونی به شمار می‌رفت (میرزا حبیب اصفهانی، ۱۳۰۶: ۲۰۶).

سلطان علی کاتب از هنرمندان نامی تبریز که در جنگ چادران اسیر شد و نامش به عنوان نقاش در سیاهه اموال غارت شده این جنگ ثبت شده است. یوسف تبریزی نیز از کاتبان و نقاشان آذربایجانی در دربار عثمانی بود که در کتابت دربار عثمانی نقش داشت (دفتر اهل حرف: ۹۵۲). حضور ایرانیان در دربار عثمانی به حدی زیاد و قابل توجه است که یکی از ایرانیان به نام محمد قاسم که احتمالاً آذربایجانی باشد ریاست چپ نویسان را در دربار سلطان سلیمان عهده‌دار بود (مستقیم زاده، ۱۳۴۷: ۴۷۵).

شاه قلی الوانی قمی هنرمند دوره صفوی بود و اهل تبریز بود، اجداد وی از شهر قم به تبریز آمده و در آن ولایت ساکن گشته بودند، او شاگرد آقامیرک بود، او در دوره سلیمان قانونی، ریاست نقاش خانه دربار سلیمان قانونی را عهده‌دار بود. او روش ساز را در نقاشی در عثمانی متداول کرد (mahir, 2005: 2). علاوه بر هنرمندان تعداد زیادی از اهل حرف و صنایع از آذربایجان به صورت اسیری یا مهاجر استانبول رفتند.

حضور ایرانیان که برخی به دعوت و گروه کثیری به صورت اسیری به عثمانی رفتند، زمینه ساز گفت‌وگو بین ایران و عثمانی شدند، روابط اجتماعی و هویت‌ها محصول گفت‌وگو می‌باشد، تغییر در گفت‌وگو به تغییر روابط اجتماعی منجر می‌شود و مخاصمات گفت‌وگویی نیز به تغییر و بازتولید گفت‌وگویی منجر می‌گردد (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۲). دوره شاه اسماعیل بین آذربایجان و عثمانی مخاصمات گفت‌وگویی به علل مختلف که بدان اشاره شد حاکم بود، ولی با حضور ایرانیان و آذری‌ها در عثمانی به مرور این مخاصمه به برقرار روابط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تبدیل شد، حتی عثمانی بعدها سعی کردند کشتار مردم را به عوامل خود سر سپاه نسبت دهند و عثمان پاشا را مبری نمایند. این گفت‌وگو در جنگ هشت ساله ایران و عراق و دوران بعد از آن نیز صادق است که گفت‌وگو تخصص جای خود را به گفت‌وگو روابط می‌دهد، مشترکات اعتقادی، زبانی و آداب و رسوم در این گفت‌وگو نقش دارند. بر اساس نظریه گفت‌وگو، مشترکات اعتقادی، زبانی، فرهنگی و حتی جغرافیایی دالی هستند که مدلول آن برقرار روابط گفت‌وگویی و اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است.

- پیروان طریقت‌های صوفیانه. یک گروه از مهاجران آذربایجانی به آناتولی رهبران و پیروان طریقت‌های صوفیانه مانند پیروان بکتاشیه، حیدریه و اسحاقیه بودن که در گسترش تشیع صوفیانه و آثار ادب فارسی و فرهنگ ایرانی در آناتولی نقش مؤثری داشتند. به عنوان نمونه، حاجی بکتاش ولی، رهبر و بنیانگذار طریقت بکتاشیه آثاری مانند مقالات غیبیه و کلمات عینیه به زبان فارسی نوشته است.

- ورود اعتقادات شیعی در قالب کتب تاریخی در عثمانی، گاهی کتبی که به سلاطین عثمانی اهدا می‌شد مشحون از معارف شیعی بود که یک نمونه آن کتاب العیلم الزاخر فی احوال الاوائل و الاواخر معروف به تاریخ الجنابی است، این کتاب به زبان عربی در تاریخ عمومی عالم از ابتدا تا قرن دهم هجری که توسط مصطفی جنّابی به سلطان مراد سوم عثمانی (۹۸۲-۱۰۰۳ ق.) تقدیم شده است. کتاب از هفتاد باب، سیزده باب را به دولت‌های شیعه اختصاص داده است. رویکرد کتاب به تشیع است و در مورد امامان شیعه توضیح مفصّلی داده است (دخت امین، ۱۳۹۵: ۵۶-۴۷).

نتیجه

آذربایجان با توجه به موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های اجتماعی در شکل‌گیری هویت ایرانی نقشی داشته است، همسایه بودن این خطه با دولت عثمانی در زمان صفویه، موجب نزاع‌های سیاسی و نظامی شد که این درگیری نظامی و کشتار عثمانیان به نوعی روحیه مقاومت را در بین مردم تقویت کرد که اعتقادات شیعی در این امر نقش داشت، بر اساس نظریه گفت‌وگو، گفت‌وگوها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند، حضور عثمانی به دشمن خارجی توانست زمینه غیرت‌سازی گردد و هویت‌های متفاوت را به نفع هویت ملی محو نماید. ادبیات عزاداری تشیع در آذربایجان از آنجایی که مبارزه شدید صفویان با عثمانیان آذربایجان را به میدان جنگ تبدیل کرد، حفظ احساسات ملی - مذهبی کلید بقای دولت نوپای صفوی شد. در این دوره به دلیل رسمی شدن مذهب تشیع در ایران و جنگ‌های طولانی با عثمانی، ادبیات، فقه و فرهنگ شیعی روز به روز گسترش یافت. استمرار تقابل دولت صفوی و عثمانی زمینه را برای گفت‌وگو پدید آورد. بنابراین می‌توان گفت که این جنگ‌ها علیرغم پیامدهای ناگواری که سالیان دراز مردم غیور و رنج‌دیده آذربایجان را به دنبال داشت، توانست هویت شیعی - صفوی را در ایران به ویژه در منطقه آذربایجان شکل دهد. علاوه بر این، حکومت صفویه با ایجاد بیگانگی در خارج از مرزهای کشور توانست گفت‌وگوهای خارجی و مخالف را در گفت‌وگو خود علیه دشمن فرامرز متحد کند. در نتیجه باید گفت که این جنگ‌ها باعث گسترش گفت‌وگو شیعه در آذربایجان شد و گفت‌وگو صفویه و شیعه را به هم پیوند داد.

با بررسی تاریخ تشیع و عوامل تأثیرگذار بر گسترش آن در آذربایجان از شروع حکومت صفویه با استفاده از نظریه گفت‌وگو لاکلا و موفه می‌توان گفت که گسترش تشیع در آذربایجان مسیر پر فراز و نشیبی را طی کرده و با توجه به موقعیت استراتژیک و با بررسی تاریخ تشیع و عوامل تأثیر و تأثرگذار بر گسترش آن در آذربایجان و عثمانی شاهد باشیم.

بحران‌ها و حوادث پیش آمده در آذربایجان که زمینه تخاصمات با عثمانی را فراهم آورد که در نظریه گفت‌وگو لاکلا و موفه به «بی‌قراری» معروف است، موجب پیدایی هژمونی، هویت دینی و ملی و غیرت شد، گرچه به تحمل صدمات زیادی، زمینه ماندگاری، پایداری و تأثیرگذاری فرهنگ دینی و شیعی شد.

نقش حوزه علمیه تبریز در تربیت خوشنویسان، شاعران، حکیمان، فقها و محدثان شیعه و تأسیس مدارس چون مدرسه طالبیه، مدرسه صادقیه، مدرسه صفویه، مدرسه حاج صفعلی، مدرسه حاج علی اصغر و مدرسه میرزا علی اکبر و ارتباط آنان با عثمانی در این گفتمان قابل توجه است.

منابع

- آزند، یعقوب (۱۳۸۹) «تأثیر هنرمندان مکتب تبریز در شکل گیری و گسترش مکتب استانبول»، هنرهای تجسمی، ش ۴۱
 بلر شیلا و بلوم جانانان (۱۳۸۸)، تاریخ معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آزند، تهران، سمت
 پورگشتال، یوزف فون هامر (۱۳۶۷ق)، تاریخ امپراتوری عثمانی، ترجمه زکی علی آبادی، به اهتمام جمشید کیان فرد، تهران: زرین
 ثریا، محمد (۱۳۱۵ق)، سجل عثمانی، استانبول، اینترنشنال
 تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹) «گفتمان، یادگفتان و سیاست»، تهران، مؤسسه توسعه علوم انسانی
 ترکمان، اسکندربیک (۱۳۵۰)، تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش ایراج افشار، ج یک، تهران، امیرکبیر
 ترکمنی آذر، پروین (۱۳۸۳)، تاریخ سیاسی شیعیان اثنی عشری در ایران، قم، مؤسسه شیعه شناسی
 حسینی زاده، سید محمد علی (۱۳۸۳)، «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸
 حسینی قمی، قاضی احمد بن شرف الدین الحسین (۱۳۹۴)، خلاصه التواریخ، تصحیح، احسان اشراقی، دانشگاه تهران
 حشری تبریزی، ملا محمد امین (۱۳۷۱)، روضه اطهار، تصحیح عزیز دولت آبادی، تبریز، ستوده
 حقی، اسماعیل (۱۳۶۸ق)، تاریخ عثمانی، ترجمه ایرج نوبخت، تهران، کیهان
 حقیقت، سید صادق (۱۳۸۹)، روش شناسی علوم سیاسی، قم، مفید
 جبباری، محمد رضا (۱۳۸۲)، سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم السلام)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
 جعفریان رسول. (۱۳۸۳). سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، قم، دلیل ما.
 داغسر، رسول (۱۳۹۳)، تبریز مادر شهر: نقش خیرگان حرف و نخبگان علوم تبریز در عمران و آبادانی
 سایر شهرها و کشورها، تبریز، نباتی

دفتر اهل حرف: ۹۵۲، Ehl-Hiref, TS.MA.d. 97060004, Topkapisaray،

- دخت امین، آرومین (۱۳۹۵)، «تاریخ جنّابی تاریخ نگار ایرانی در دربار عثمانی و رویکرد به تشیع با تکیه بر تاریخ جنّابی» مطالعات تاریخ اسلام، س ۸، ش ۳۰
 دین پرست، ولی (۱۳۹۰)، «نقاشان صفوی و انتقال هنر نگارگری ایرانی به عثمانی (اوایل قرن دهم هجری)»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، س ۲، ش ۳
 رضایی، محمد (۱۳۸۵)، تاریخ تشیع در آذربایجان، قم، شیعه شناسی
 رویمر، روبرت هانس (۱۳۸۰)، ایران در راه عصر جدید، ترجمه آذر آهنچی، تهران، دانشگاه تهران
 شعبانی، رضا، ولی دین پرست (۱۳۸۹) «مهاجرت هنرمندان ایرانی به عثمانی: اواخر تیموریان و اوایل دوره صفویه (۱۵۲۸-۱۴۰۹ م. ۹۳۲-۸۵۱)»، تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س)، س ۲۰، ش ۶
 شیبانی، نظام الدین مجیر (۱۳۴۶)، تشکیل شاهنشاهی صفویه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
 طاش کبری زاده، ملا احمد بن مصطفی (۱۴۱۲ق)، الشقائق النعمانیة فی علماء الدولة العثمانیة، بیروت: دارالکتاب

- عالم‌آرای صفوی، مولف گمنام (۱۳۶۳)، به کوشش یدالله شکری، تهران، انتشارات اطلاعات
- غفاری، قاضی احمد (۱۳۴۴)، تاریخ جهان آراء، تهران، حافظ
- فائق، ابراهیم (۱۳۸۹)، آذربایجان در مسیر تاریخ، تبریز، یاران
- فدایی، مریم (۱۳۹۱)، «هنر خوشنویسی در دوره عثمانی»، کتاب ماه هنر، ش ۱۱۷۲
- کسرائی، محمد سالار (پاییز ۱۳۸۸)، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کار آمد در فهم و تبیین پدیده های سیاسی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳،
- کسروی، احمد (۱۳۵۳)، شهریاران گمنام، تهران، امیرکبیر
- گمنام (۱۳۶۳)، عالم‌آرای صفوی، به کوشش یدالله شکری، تهران، انتشارات اطلاعات
- مزاوی، میشل (۱۳۶۳)، پیدایش دولت صفوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره
- مستقیم‌زاده، سلیمان سعدالدین افندی (۱۳۴۷)، تحفه خطاطین، استانبول، دولت مطبوعه سی
- مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰)، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره دوم، بهار
- میرجعفری، حسین (۱۳۷۵)، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان، اصفهان، دانشگاه اصفهان
- میرزا حبیب اصفهانی (۱۳۰۶)، خط و خطاطان، قسطنطنیه، مطبعه ابوالضیا
- نش، کنت (۱۳۹۰)، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه محمدتقی دل فروز، تهران، کویر
- نوائی، عبدالحسین، (۱۳۶۳)، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ ق، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقاتی فرهنگی.
- _____، (۱۳۶۸)، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ ق، تهران، ارغوان
- نوریلدیز، سارا (۱۳۹۱)، «تاریخ نگاری عثمانی»، تاریخ نگاری و مورخان عثمانی، ترجمه و تدوین نصرالله صالحی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام
- هوات (پاییز ۱۳۷۷)، «نظریه گفتمان»، ترجمه سلطانی، علوم سیاسی، سال اول، شماره ۲
- یورگنسن و فیلیپس (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی،
- Bayat Ali haydar: Turk Kulturu El sanatları Dergisi, Osman El sanatlarının gelişmesinde Ehl-I Bosworth, c. e, e. van Donzel, b. Lewis and ch. Pellat, the Encyclopedia of Islam, (under the patronage of the international union of academies) vol 6, Leiden, E. J. Brill, 1991**
- E. laclau & C. Mouffe (1985), Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics London: Verso**
- .Osmanli-iran siyasi munasibetleri, Istanbul fetih cemiyeti, Istanbul (۱۹۹۳) Kutukoglu, Bakir .**
- Laclau, E and Mouffe, C, Recasting marxism in James martin (2002) : Antonio**
- Mahir Banu. (2005). Osmanli Minyatür sanatı: Kabalci yayinevi. Istanbul 20 Gramsci, critical Assesment of leading Political philosophers (2002) Voutledge**
- Mahir Banu. (2005). Osmanli Minyatür sanatı: Kabalci yayinevi. Istanbul**
- Zeren Tanindi (2000), "Addition to illustrated manuscripts in the Ottoman Workshops", Muqarnas, no: 17**